


## زنان و تبلیغ آزادی اجتماعی

سمانه داوودی<sup>۱</sup>

### چکیده

آزادی زن به معنای نادرست غربی آن، یعنی آزادی از قیدوبندهای خانوادگی، آزادی از قید ازدواج و تشکیل خانواده نیست. آزادی زن در غرب به معنای اسارت فرهنگ مصرفی و مصرف فرهنگ منحط غرب است و آزادی غربی برای زن قرار دادن او به عنوان ابزار لذت جویی مرد است. بر همین اساس، با روش فیش برداری کتابخانه‌ای اهتمام نمودم تا موضوع آزادی زن در اجتماع را بررسی نمایم که در فیش برداری‌ها به این مطالب دست یافتم. اهمیت حضور اجتماعی زن در دو چیز است؛ لازم بودن حضور (یکی از حقوق اجتماعی زن) و مضاعف شدن حضور مرد (نمونه آن جنبش مشروطه و انقلاب اسلامی). درباره آزادی زن در اجتماع سه موضع وجود دارد: ۱. تجمل‌گرایی، که هدف آن ضد اخلاقی است و به نفع اقتصاد است؛ ۲. خانه‌نشینی، که هدف آن خرد کردن شخصیت زن؛ ۳. دخالت در سرنوشت خود، که هدفش تعادل اجتماعی است. آزادی زن در جامعه اسلامی با فعالیت‌هایی از جمله امور علمی، اقتصادی، دینی و سیاسی-نظامی، با شرایطی مانند عدم اختلاط، حفظ عفت و حیا و عدم خودنمایی معنا می‌یابد. مهم‌ترین شرط نیز برای حضور مناسب در این عرصه‌ها، حجاب است که در آن حکمت‌هایی مانند مبارزه با نفس، استواری جامعه در کسب و کار، امنیت، رشد روانی - اجتماعی و آزادی، نهفته است..

واژگان کلیدی: زن، تبلیغ، آزادی، اجتماع.

۱. کارشناسی‌ارشد تفسیر و علوم قرآن جامعه المصطفی  العالمیه/

## مقدمه

موضوع این مقاله، زنان و تبلیغ آزادی اجتماعی می‌باشد. آزادی اجتماعی یعنی اینکه فرد در جامعه خود آزادی عمل در رفتار اجتماعی داشته باشد. حال زنان و تبلیغ آزادی اجتماعی آنان یعنی زنان که عضو مهمی از جامعه هستند به طور قطع آزادی اجتماعی دارند و این آزادی خود را اکنون چگونه می‌خواهند به جامعه خویش برسانند.

در عصر ما بیش از هر زمانی استعمارگران روی آزادی زن کار می‌کنند تا جایی که نظریه باطل آنان (فمینیسم) به کشورهای اسلامی نیز رسوخ کرده و دامنگیر زنان مسلمان (فمینیسم اسلامی) شده است. در حالی که دین مبین اسلام در مورد آزادی انسان از بند بندگی غیر خدا سخن می‌گوید نه تنها یک نوع بشر و هر نوع از بشر باید این آزادی خود را به نحوی که شایسته خلقت آن است به دیگران به نمایش گذارد. طوری که نه به خود و نه به جامعه خویش ضربه‌ای وارد سازد. به همین جهت بر آن شدیم که زنان چگونه آزادی اجتماعی دارند و می‌توانند آن را به بهترین روشی که اسلام برایشان فراهم کرده یعنی حجاب آن را تبلیغ کنند.

در این موضوع، برخی نویسندگان به‌طور حاشیه و برخی مفصل به آن پرداخته‌اند، مانند کتاب «مسئله حجاب» شهید مطهری، «حجاب= آزادی یا اسارت؟»، اثر یوسف علی پور باغبان نژاد، «شخصیت زن مسلمان»، تألیف شهید بنت‌الهدی صدر و... .

ساختار این مقاله شامل مقدمه و مفهوم‌شناسی در مباحث تمهیدی آن، و پرداختن به آزادی زن، اهمیت حضور اجتماعی زن، تفکرات و اهداف آن‌ها از حضور اجتماعی زن، فعالیت‌های اجتماعی زن، شرایط حضور زن در اجتماع و حکمت‌های حجاب و زنان پشتوانه ولایت در متن می‌باشد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱.۲. تعریف لغوی و اصطلاحی تبلیغ

تبلیغ در لغت به معنای رساندن پیام و واصل کردن خبر به مخاطب با وسایل ممکن و در دسترس می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۳۵: ۳۴۳/۱۴)

تعریف اصطلاحی تبلیغ یعنی روش یا روش‌های مهم و به هم پیوسته و در قالب یک مجموعه برای بسیج کردن و جهت دادن به نیروهای فردی و اجتماعی از طریق نفوذ در شخصیت افکار، عقاید و احساسات افراد جهت رسیدن به یک هدف مشخص. (علی کرمی، ۱۳۷۸: ۱۱)

**حجاب:** در پرده کردن، بازداشتن از آمدن، بازداشتن، روگیری، عفاف و حیا، شرم کردن. (دهخدا، ۱۳۳۰: ۲۸۷/۱۸)

**اجتماع:** جمع شدن، دور هم گرد آمدن، فراهم آمدن، به هم پیوستن، انجمن شدن.

**اجتماعی:** منسوب به اجتماع، کاری یا چیزی که به همگان تعلق داشته باشد. آنچه مربوط به گروهی از مردم باشد. (عمید، ۱۳۷۹: ۸۴/۱)

**آزادی:** عتق و حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیت و عبودیت و اسارت و اجبار قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب. (دهخدا، ۱۳۲۵: ۸۶/۲). آزادی یعنی نباید مانع بروز استعدادهای بشر شود. (یزدی، ۱۳۷۹: ۱۹)

آزادی به عقیده ما تکلیف است، از آن جهت که مکلف خود شخص است درباره خود یا دیگران نسبت به او، بر دو قسم است؛ آزادی معنوی و آزادی اجتماعی. آنجا که انسان مکلف است خود را برده خرافات فکری یا هواهای نفسانی قرار ندهد آزادی جنبه درونی و باطنی دارد و آنجا که دیگران مکلف‌اند که نسبت به او و راه مسیر او قیود و بندی ایجاد نکنند، آزادی جنبه خارجی و بیرونی دارد. (همان، ۲۱ و ۲۲)

آزادی اجتماعی: نگاه به این نوع آزادی، نگاهی ساختاری و نهادی است. این امر بیانگر رابطه فرد با جامعه و ساختارهای آن است. ممکن است فرد به رغم وجود موانع و قیود، در امور سیاسی - اجتماعی مشارکت کند و بتواند این حق خود را اعمال نماید، در این صورت، وی فردی آزاد در مسائل اجتماعی محسوب می شود. این برداشت تنها به آزادی فرد توجه نداشته، بلکه آزادی افراد و گروه‌ها را نیز در جامعه در بردارد. (میراحمدی، ۱۳۸۱: ۳۴ و ۳۵) اکنون می توانیم معنای آزادی اجتماعی را بهتر درک کنیم. یعنی زنان به چه وسایل و روش‌هایی می توانند به مردم جامعه خود تفهیم کنند و برسانند که آن‌ها آزادی اجتماعی دارند.

## ۲. آزادی زن

آزادی زن موضوعی است که درباره آن بسیار بحث شده و غالب نویسندگان اسلامی وضعیت زنان را قبل از اسلام و بعد از آن مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند، اکنون می خواهیم بدانیم آیا آرامش فکری و بدنی، تندرستی، فرهنگ، شهرت، اشباع غرایز و بالاخره پاکیزگی جامعه‌ای که باید نصیب زنان بشود در پرتو اسلام به دست می آید یا در پرتو کفر و غرب؟ زندگی زن در پرتو اسلام با حقوق و تکالیفی همانند مرد می باشد، زن در همه چیز شریک مرد است، جز در موارد اندکی که آن هم به جهت نبودن مقتضی یا وجود موانعی استثناء شده است.

زن، در نماز، روزه، خمس، زکات و حج همسان با مرد است، لیکن چون تکالیف خانه‌داری به عهده اوست و از سوی دیگر به دلیل اینکه صعوبت و سختی جهاد که با ضعف بدنی و لطافت زن سازگار نیست، لذا اسلام جز در صورت ضرورت از زنان جهاد نمی خواهد، اما در موارد دیگر از وظایف اجتماعی مانند امر به معروف و نهی از منکر، تولی اولیای خدا و تبری از دشمنان خدا زن شریک مرد می - باشد. (شیرازی، ۱۳۶۱: ۳۷)

و اما آنچه در غرب به عنوان شعار وجود دارد، آزادی زن است، پرسش این است که معنای این آزادی چیست؟

متأسفانه در دنیای غرب بیشتر مفاهیم از این آزادی، آزادی به معنای نادرست و مضرّ آن است.

یعنی آزادی از قید و بندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد، آزادی حتی از قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان در آنجایی که هدف شهوانی زود گذری در مقابل قرار بگیرد نه آزادی به معنای صحیح آن، لذا شما می‌بینید جز حرف‌هایی که در دنیای غرب زده می‌شود مسئله آزادی سقط جنین است که این نکته بسیار مهمی است و با اینکه ظاهر ساده و کوچکی دارد، اما باطن بسیار خطرناک دارد.

### ۳. مدعیان دروغین آزادی زن

آنان که به نام ایجاد تحول اجتماعی و اقتصادی الگوهای فاسد و پلید خویش را با نقابی از پیشرفت و تمدن بر زنان جهان تحمیل می‌کنند، در واقع به انسانیت خیانت می‌کنند. آلودگانی که به دروغ شعار آزادی زن را دادند، می‌خواستند زن را به اسارت فرهنگ مصرفی و مصرف فرهنگ منحط غرب بکشند، تا آسان‌تر بتوانند فرزندان و تربیت یافتگان سست عنصر چنین مادرانی را چون ابزاری بی‌اراده استثمار کنند.

### ۴. ماهیت آزادی غربی، قرار دادن زن به عنوان ابزار لذت جویی مردان

بساط آن چیزی که امروز به عنوان آزادی زن در دنیا و از سوی فرهنگ منحط غربی پهن شده است بر این پایه است که زن را در معرض دید مرد قرار بدهند تا مردان از آنها تمتعات جنسی و لذت ببرند و زنها وسیله التذاذ مردان بشوند، آنها به این آزادی زن می‌گویند.

آیا این آزادی زن است؟ آن کسانی که در دنیای جاهل غافل و گمراه غرب ادعا می‌کنند طرفدار حقوق بشر و حقوق زن هستند در حقیقت ستمکار به زن هستند.

در جهان امروز که زن تنها به عنوان یک وسیله و ابزار برای تأمین تمایلات شهوانی استفاده می‌شود لازم است دیدگاه‌های اسلام در مورد مسائل زن به‌ویژه در مورد مسئله حجاب و روابط این دو جنس تدوین شود و به دنیا فهمانده شود که اسلام درباره زن چه دیدگاهی دارد و چه می‌گوید.

بدون شک آنچه در دنیا و به‌ویژه غرب به عنوان آزادی زن مطرح می‌شود، چیزی جز سوق دادن این قشر به سمت بهره برداری‌های نفسانی نیست. در فرهنگ فاسد غرب به زن میدان نمی‌دهند که استعدادهایش شکوفا شود، آنها می‌خواهند از خصوصیات فیزیکی زن و جاذبه‌ای که این جنس از نظر فیزیکی دارد سوء استفاده کنند. اسلام آن روزها که حقوق مختلفه زن را مطرح کرد و تعالیم را ارائه داد، زن در ظلمت تاریخ فرو رفته بود، اما اسلام نوری بود که در ظلمت تاریخ درخشید. (بانکی پور فرد، ۱۳۸۱: ۲۸۱)

## ۵. حقوق اجتماعی زن در اسلام

زنان از دیدگاه اسلام از کلیه حقوق انسانی اعم از سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به اندازه مردان بهره‌مند می‌باشند. بانوان در زمان حضرت رسول ﷺ و نیز دوران خلافت ظاهری امام علی ﷺ در جامعه حضوری فعال داشتند و باتوجه به اینکه چند سالی از زمان زنده به گور کردن دختران نمی‌گذشت، نقش تعالیم اسلام در این زمینه اعجاب‌انگیز است. قوانین و مقررات مربوط به پوشش زن و نحوه‌ی سلوک او در اجتماع و نیز به رسمیت شناختن مالکیت زن در طول زندگی حتی پس از ازدواج دائم و بسیاری حوادث تاریخی هستند از زمان پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت خود حاکی از مجاز بودن ورود زنان به عرصه اجتماع و حضور در فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد. (مکنون، ۱۳۷۴: ۱۶۴)

اسلام میان زن و مرد از جهت تدبیر امور اجتماعی با تصمیم‌گیری و کار تساوی برقراری کرده است. علتش این است که همان طور که مرد می‌خواهد زندگی کند زن نیز می‌خواهد زندگی کند، به دلیل اینکه زن و مرد در آنچه بنیه انسان در خوردن و آشامیدن و جز این دو از لوازم بقا نیاز دارد برابرند.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «بعضکم من بعض» (آل عمران: ۱۹۳) و مرد و زن در تمام تصمیم‌گیری مستقل و مالک مال خویش است. (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۴۶) «لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت» (بقره: ۲۸۶)

همان طور که اشاره شد در اسلام به زن و مرد آزادی مساوی داده است؛ آن هم آزادی متناسب با آفرینش زن و مرد که زن در پرتو آن به آزادی کامل خود رسیده است.

## ۶. اهمیت حضور اجتماعی زنان

### ۱. لازم بودن حضور

﴿هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها﴾. (اعراف: ۱۸۹)

او خدایی است که همه شما را از یک فرد آفرید و همسرش نیز از جنس او قرار داد. بر اساس این آیه، اصل آفرینش زن و مرد یکی است، پس در اصول کلی جامعه نیز نباید بین آن‌ها تفاوتی باشد و همان طور که انسان به طور فطری اجتماعی آفریده شده است، زن هم موجودی اجتماعی است و حضورش در اجتماع ضروری است. (ناجی، ۱۳۷۹: ۱۷۷)

### ۲. مضاعف شدن حضور مرد

در تمام وقایع تاریخ، زن با نقش فعال، پیشتاز و یا تحریک کننده مردم حضور داشته است. به عقیده امام خمینی علیه السلام زنان در جنبش مشروطه و تنباکو نقش اساسی و بالاتر از مردان را داشته‌اند و در قرن معاصر، قیام و مبارزه زنان در زمان طاغوت و پیش قدمی آنان در پیروزی انقلاب و درمقایسه با مردان برکسی پوشیده نیست. (همان: ۱۷۸) پس حضور زن در اجتماع باعث پیشرفت خود او و جامعه به سوی تکامل می‌گردد؛ البته اگر در مسیر صحیح حرکت و فعالیت داشته باشد.

## ۷. تفکرات و اهداف حضور اجتماعی زن در اندیشه‌های مختلف

### ۷.۱. تفکر تجمل‌گرایی (غربی)

در این تفکر، شخصیت زن را در پشت کردن به خانه و خانواده و کار در بیرون از خانه می‌دانند و آزادی زن بهانه‌ای برای بی‌حجابی اوست و حکومت‌های شیطانی غربی با این بهانه زن را دامی برای فساد اجتماعی قرار داده‌اند و نتیجه آن از بین رفتن روابط خانوادگی بود. (همان: ۱۷۸)

اهداف این تفکر را می‌توان چنین برشمرد:

۱. اولین هدف در امور اقتصادی و ضد اخلاقی و تربیتی سوء استفاده از زنها در کارها با حقوق کم در قرن نوزدهم میلادی.
۲. مبارزه با اسلام، زیرا ورود زنها در جامعه با برهنگی همراه بود. (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۲۶) در این تفکر تنها جنبه مادی حضور زن در نظر گرفته شده است که از آن سوء استفاده شود.

### ۷.۲. تفکر خانه‌نشینی (تفکر تحجری)

با این تفکر زن در خانه محصور شود و هیچ کاری به جامعه نداشته باشد و سرنوشت خود را به دست مرد خانه بسپارد در این تفکر شخصیت مرد اصیل و زن شخصیت غیر اصیل دارد. (ناجی، ۱۳۷۹: ۱۷۸)

هدف: مرد سالاری و خرد کردن شخصیت زن.

### ۷.۳. تفکر دخالت در سرنوشت خود (تفکر اسلامی)

زن در این دیدگاه نباید تنها به خانه‌اش بنگرد، بلکه باید به دنیا بیندیشد و سرنوشت انسان، جامعه، حکومت و نظام دغدغه‌های فکرش باشد. حضرت زهرا علیها السلام در این زمینه بهترین الگو می‌باشد. (همان: ۱۷۹)

اهداف این تفکر:

از ظلم‌هایی که به زن می‌شود جلوگیری شود؛



عدالت اجتماعی در جامعه برپا شود؛

زن از حقوق اجتماعی برخوردار شود و در برنامه‌های اجتماعی شرکت کند؛

زن مسلمان در دنیا و آخرت حیات طیب داشته باشد. (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۲۶)

با توجه به تفکراتی که بیان شد زنان تنها در اسلام آزادی اجتماعی واقعی را می‌توانند تجربه کنند و بر این اساس مسئولیت‌هایی نیز بر عهده دارند.

## ۸. فعالیت‌های زن در اجتماع

### ۸.۱. فعالیت علمی

در دین مبین اسلام در مورد علم‌آموزی در بین افراد جامعه هیچ تفاوتی قائل نشده است. چنانکه پیامبرگرامی ﷺ فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»؛ طلب علم بر هر مسلمانی واجب است. در این روایت نفرموده‌اند که فقط بر مرد، بلکه فرموده است که بر هر مسلمانی. پس زن می‌تواند علم‌آموزی داشته باشد. بر این اساس پس از ظهور اسلام و برداشتن موانع علم‌آموزی از سر راه همه به‌ویژه زنان، در میدان‌های علم و آموزش گام نهادند و چندی نگذشت که زنانی آگاه و دین‌شناس پدید آمدند و به مقامات بالایی در آگاهی و دانش رسیدند. (حکیمی، ۱۳۸۳: ۴۵)

### ۸.۲. فعالیت اقتصادی

در قرن ۱۹ میلادی با انقلاب صنعتی سرمایه‌داران به بهانه‌ی آزادی زن به زن اجازه‌ی فعالیت‌های اقتصادی دادند، اما قبل از آن در دین اسلام حقوق و فعالیت‌های اقتصادی کاملاً برای زن مشخص بود. آن هم با اهداف انسانی نه اغراض سودجویانه سرمایه‌داری (همان: ۴۷) چنان که در قرآن کریم فرموده است: ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا﴾؛ مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد). (نساء: ۳۲)

باتوجه به این آیه زنان نیز می‌توانند به هر شغلی که توانایی آن را دارند دست زنند و منفعت کار خویش را بگیرند و این نظر اسلام است که آزادی اجتماعی زن را به وضوح می‌رساند، اما در هر صورت نفقه برعهده مردان چنان که امام خمینی علیه السلام فرمودند: «نفقه زن بر شوهر واجب است اگرچه زن درآمد کافی داشته باشد.» و همچنین فرمودند: کار در ادارات ممنوع نیست، اما باید زنان با حجاب اسلامی باشند و حتی رانندگی با حفظ شئون و حجاب مانعی ندارد. (صدر، ۱۳۶۸: ۱۳۲)

### ۸.۳. فعالیت دینی

زن نمی‌تواند برای مرد امام جماعت شود، اما با شرایط عدالت، صحت نماز و دیگر شرایط واجب برای امام می‌تواند برای زنان امام جماعت باشد. چنان که سماعه بن مهران از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: آیا زن می‌تواند امام جماعت زنان شود؟ فرمود: مانعی ندارد. (همان، ۱۳۵)

### ۸.۴. فعالیت سیاسی، نظامی

زنان از صدر اسلام تاکنون در پشت جبهه‌ها فعالیت‌های سیاسی - نظامی انجام داده‌اند حتی جایی که لازم بوده است که دفاع نظامی انجام دهند عملی کرده‌اند. در زمینه سیاسی نیز زنان فعالیت‌های بسیاری در مجالس و حتی در انتخابات انجام داده‌اند. اما باید در نظر داشت که تمام فعالیت‌های زن در اجتماع با حفظ حجاب کامل و حفظ شخصیت اصلی خود که مادری و همسری است این فعالیت‌ها را انجام دهد.

### ۹. فایده حضور زن در اجتماع

حضور زن در فعالیت‌های اجتماع یعنی حضور خانواده در تمام صحنه‌های اجتماع، و این خصوصیت حضور زن در میدان‌های مختلف است، اما معنای حضور مرد چنین نیست. در هر میدانی که زن وارد بشود- زنی که کدبانوی یک خانه است - در حقیقت همه آن خانه را در آن میدان وارد می‌کند. حضور زنان در بخش‌های مختلف بسیار مهم است (بانکی پور فرد، ۱۳۸۱: ۱۸۸) و این از اثرات

آزادی اجتماعی زن در جامعه می‌باشد که تمام اعضای خانواده را به فعالیت وادار می‌کند.

## ۱۰. شرایط حضور زن در اجتماع

### ۱.۱۰. ۱. عدم اختلاط

پیامبرگرامی ﷺ در بیعت با زنان به عدم اختلاط آنان با مردان تأکید نموده و در ضمن بیعت با آنان می‌فرماید: «عَلَى النِّسَاءِ أَنْ لَا يَحْتَبِينَ وَلَا يَقْعُدْنَ مَعَ الرِّجَالِ فِي الْخَلَاءِ»؛ از زنان پیمان گرفت که دوست نداشته باشند در خلوت با مردان بنشینند. (فتاحی، ۱۳۷۶: ۱۵۲)

اسلام چنین نظریه‌ای در مورد روابط زن و مرد دارد، زیرا باعث جلوگیری از فساد در جامعه می‌شود و همچنین نظام خانواده‌ها محکم می‌گردد. «یکی از راه‌های صهیونیست جهانی برای به سلطه کشیدن ملت‌ها ایجاد فساد به وسیله مخلوط کردن دخترها و پسرهاست. آزاد کردن روابط جنسی و این یک ابزار سیاسی برای از بین بردن جوامع است». (بانکی پور فرد، ۱۳۸۱: ۲۴۰)

### ۱.۱۰. ۲. حفظ عفت و حیا

برای اینکه زن راحت بتواند در جامعه حضور یابد و تبلیغ آزادی اجتماعی خود کند، خود باید زمینه این تبلیغ را فراهم آورد؛ بدین شکل که از خصوصیت خوب زنانگی خود یعنی عفت و حیا به خوبی حفظ و استفاده کند. از جمله:

#### ۱. حیا در رفت و آمد

قرآن کریم در مورد دختران شعیب چنین فرموده است: ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ﴾؛ ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد درحالی‌که با نهایت حیا گام برمی‌داشت. (قصص: ۲۵)

علامه طباطبایی می‌گوید: نکره بودن «استحیاء» یعنی بزرگداشت مسئله و مقصود با حالت شرم راه رفتن است. (فتاحی، ۱۳۷۶: ۱۵۶)

۲. حیا در راه رفتن:

﴿وَلَا يَصْرِبْنَ إِلَّا لِيَأْجُرْنَ إِلَيْهِنَّ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾؛ و به هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش برسد). (نور: ۳۱)

یعنی زنان حتی از طریق‌های مختلف موجب تحریک مردان و در نتیجه موجب فساد و فتنه نباشند.

۳. حیا در سخن گفتن:

قرآن کریم در این باره به خوبی سخن فرموده است: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾؛ پس به گونه‌ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید. (احزاب: ۳۲)

خضوع در کلام زن یعنی آهنگ سخن در برابر مرد را نازک و لطیف کند تا دل او را دچار خیال‌های شیطانی کرده و شهوت و طمع مرد بیمار دل را برانگیزد. «قول معروف» یعنی سخن معمول و مستقیم. (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۲۳) زن باید در حد امکان کمترین سخن و با جدیت و قاطع با مرد سخن گوید. در این حالت است که اسلام به او آزادی را هدیه می‌دهد.

۴. حیا در نگاه کردن:

قرآن کریم حیا در تمام زمینه‌ها را مد نظر دارد و حیا در نگریستن را چنین بین فرموده است:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾؛ و به زنان با ایمان بگو چشمان خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند. (نور: ۳۱)

زنان چون موجودات عاطفی‌تری هستند و با نگاه به طرف مقابل احساسات آنها برانگیخته می‌شود و ابتدا برای خودشان زمینه گناه فراهم می‌شود و بعد موجب فساد

در جامعه می‌شوند. به همین دلیل قرآن علاوه بر مردان به زنان نیز دستور نگاه خیره نکردن می‌دهد.

ز دست و دیده و دل هر دو فریاد      که هر چه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیش ز فولاد      زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

همچنین امام علی علیه السلام نگاه به نامحرم را تیری از تیرهای مسموم شیطان می‌داند، اما با تقوا در نگاه و محدودیت در نگریستن، مانع از خواهش‌های انسانی و بروز شهوات جنسی در دل‌ها می‌شود. (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۲۲)

### ۳.۱۰. عدم خودنمایی

یکی دیگر از شرایط حضور زن در اجتماع پوشش و حجاب او می‌باشد که علاوه بر پوشش مناسب خود باید به چند نکته دیگر نیز توجه کند؛ آرایش نکردن و معطر نبودن در مکان‌ها و مجامع عمومی از این موارد هستند.

#### ۱. آرایش نکردن:

آرایش زن موجب انحراف افراد زیادی از جامعه اعم از مرد و زن می‌شود. قرآن- کریم چنین می‌فرماید: ﴿وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾؛ و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید. (احزاب: ۳۳) منظور آیه محصور کردن زن نیست، بلکه در آن زمان زنان پیامبر گرامی همراه ایشان حتی به مسافرت می‌رفتند.

#### ۲. استفاده نکردن از عطر در مجامع عمومی:

اسلام با آزادی اجتماعی زن به هیچ‌وجه مخالف نیست، بلکه حتی برای راحتی او و جامعه شرایطی را وضع کرده است. تا جایی که پیامبرگرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: اگر زن خود را معطر کند و بر مردی بگذرد که بوی او را دریابد زناکار است.

از این سخن برمی‌آید زن می‌تواند در اجتماع با رعایت اصول اسلامی حضور داشته باشد و تبلیغ آزادی اجتماعی خود را بکند. اگر بانوان می‌خواهند که خوشبو و

معطر باشند بهتر است در مکانی که بانوان هستند خود را معطر سازند تا مورد لعن قرار نگیرند و موجب فساد و گناه در جامعه نشوند. (فتاحی، ۱۳۷۶: ۱۷۰ و ۱۷۳)

مهم‌ترین اصلی که زن باید برای تبلیغ آزادی خود در حضور اجتماعی رعایت کند، حجاب است در حجاب نکاتی نهفته است که هرکس بداند خود را از آن جدا نخواهد کرد، زیرا اول برای خودش و بعد هم برایش سود دارد. بعد برای خودش یعنی در اجتماعی که زندگی می‌کند اجتماع سالم که خودش می‌سازد و به همین دلیل برای خودش راحتی هست که در آن زندگی کند.

اگر کسی بگوید زن را باید در خانه حبس کرد و به هیچ‌وجه اجازه بیرون رفتن به او نداد این با آزادی طبیعی و حیثیت انسانی و حقوق خدادادی زن منافات دارد. چنین چیزی در حجاب‌های غیراسلامی بوده است ولی در اسلام نبوده و نیست. (مطهری، ۱۳۵۳: ۸۷)

## ۱۱. حجاب حق الهی

حجاب زن مربوط به خود او نیست تا بگوید از حق خودم صرف‌نظر کردم، حجاب زن مربوط به مرد نیست تا مرد بگوید من راضی‌ام، حجاب زن مال خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند. حجاب زن حقی الهی است چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق‌الله مطرح است و خدای سبحان زن را با سرمایه عاطفه آفرید که معلم رقت باشد و پیام عاطفه بیاورد. اگر جامعه‌ای این درس رقت و عاطفه را ترک نمودند و به دنبال غریزه و شهوت رفتند به همان فساد مبتلا می‌شوند که در غرب ظهور کرد، لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دارم. عصمت زن حق‌الله است زن به عنوان امین حق‌الله از نظر قرآن مطرح است. یعنی این مقام را و این حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست به زن داد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۳۷)

## ۱۲. فلسفه حجاب در قرآن

علت و ضرورت حجاب در قرآن چنین بازگو شده است: ﴿ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ﴾؛ «این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند بهتر

است».(احزاب: ۵۹) «چراکه آنها تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند و حرمت دارند.»(جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۳۹) از این جمله قرآنی برمی آید که زنان در جامعه با حفظ حجاب خود می توانند حضور آزادانه ای داشته باشند چون حجاب موجب مصونیت آنها می شود تا به راحتی بتوانند تبلیغ آزادی اجتماعی خود را داشته باشند.

## ۱۳. حکمت های حجاب

### ۱۳.۱. حجاب حفظ تکریم گوهر وجود زن

در قرآن کریم آیاتی آمده است که کلمه حجاب دیده می شود. مانند:

﴿وَإِذَا قُرَأَتِ الْقُرْآنُ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا﴾؛  
و هنگامی که قرآن می خوانی میان تو و آنها که به آخرت ایمان نمی آورند، ناپیدایی  
قرار می دهیم.(اسراء: ۴۵)

در قرآن هرگاه سخن از حقیقتی متعال و شأن والایی مطرح است، موضوع حجاب به میان می آید. حجاب برای زن بزرگداشت مقام و شأن اوست و حجاب مرز بین محرم و نامحرم را معلوم می کند.(موسوی مدنی، ۱۳۸۵: ۱۰۹-۱۰۷) زن مانند دیگر جمالات الهی گرانها و پر ارزش است که خداوند دوست ندارد که چشم های آلوده به او بیفتد و از او لذت مجانی و شیطانی ببرد، بلکه ارزش زن از همه چیز بالاتر است، زیرا اشیاء گران بها را از دید دوستان شیطان پنهان می کنند تا آسیب به آنها نرسد.

پس زن اگر بخواهد آزادی خود را در جامعه ابلاغ کند و ارزش خود را نگه دارد با حجاب خود وارد جامعه شود که هیچ آسیبی او را تهدید نکنند.

### ۱۳.۲. مبارزه با نفس

خداوند امیال زیادی در درون انسان نهاده است که اگر انسان آنها را تعدیل کند به کمال می رسد. میل به خودنمایی را بنا بر مصالحی در زن قرار داده است. حال اگر این میل مرزی نداشته باشد و در همه جا نمود داشته باشد قطعاً فساد آفرین

می‌شود. حجاب مهم‌ترین عامل تعدیل این میل است، چنان‌که در کلام مولی علی علیه السلام است: «رُكَاةُ الْجَمَالِ الْعَفَافِ».

زیبایی برای زن سرمایه است که باید به جا مصرف شود. یعنی از یک سو سودمند و از سوی دیگر قابل کنترل است و گرنه فتنه‌انگیزی می‌کند و حجاب وسیله کنترل غریزه خودنمایی است که تعدیل این غریزه باعث تعدیل دیگر غرایز نیز می‌شود و در نتیجه زن به کمال می‌رسد. (فتاحی، ۱۳۷۶: ۸۱ و ۸۰)

یعنی زن با حجاب خود می‌تواند ترکیه نفس داشته باشد تا بتواند در جامعه خود به خوبی زندگی کند و با این هدف وارد جامعه شود که جامعه خود را به تعالی برساند و با حجاب خود تبلیغ آزادی اجتماعی خود کند و به زنان دیگر نیز آن را بیاموزد و به مردان جامعه آن را تفهیم کند.

### ۳.۱۳. مبارزه با اسلام ستیزان

غربی‌ها مایل‌اند که جاهلیت خودشان را بر معرفت عالم غلبه بدهند، آنها می‌خواهند سبک مد و مصرف و آرایش در انظار عموم و ملعبه قرار دادن مسائل جنسی بین دو جنس را به وسیله بی‌حجابی زنان رواج دهند. آنها توانستند در کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین و شرق آسیا به این هدف خود برسند. یعنی آن کشور سبکشان را قبول کردند. تنها کشورهای اسلامی به شدت با این هدف مبارزه می‌کنند. (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۳: ۲۳۰ و ۲۲۹)

پس زنان محجبه علاوه بر تبلیغ آزادی اجتماعی خود در راه مبارزه با دشمنان اسلام هستند که تهمت‌های فراوانی در مورد اسلام که زن را اسیر کرده است زده‌اند و خود را متمدن دانسته و با برهنگی زن به او عنوان آزادی دادند.

### ۴.۱۳. استواری جامعه در کسب و کار

کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع نیروی کار و فعالیت را ضعیف می‌کند، بی‌حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی موجب فلج کردن نیروی اجتماع است. آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای اوست حجاب به



صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بیکار بنشیند. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذت‌جویی‌های شهوانی است. (مطهری، ۱۳۵۳: ۷۷ و ۷۸)

به بهانه اینکه حجاب نیمی از افراد جامعه را فلج کرده است با بی‌حجابی و بی‌بندوباری نیروی تمام افراد زن و مرد را فلج کرده‌اند، کار زن پرداختن به خودآرایی و کار مرد چشم‌چرانی و شکارچی‌گری شده است. آنچه اسلام نمی‌خواهد این است که زن به صورت چنین موجود مهملی درآید که کارش فقط استهلاک ثروت و فاسد کردن اخلاق اجتماع و خراب کردن بنیان خانواده باشد. (علی‌پور باغبان @ نژاد، ۱۳۸۳: ۱۸۶)

سرمایه‌داران برای رسیدن به اهداف شوم خود با رشد و تشویق زن و مرد به این ابعاد که خداوند آنها را برای تکامل انسان قرار داده است، اما آنها آن قدر آن را بزرگ جلوه می‌دهند که زن و مرد از آن استعدادها و امیال خود به خوبی استفاده نمی‌کنند تا حدی که به بعد حیوانی نزدیک می‌شوند و شاید از آن هم فراروند و تبدیل به ﴿بل هم اضل﴾ شوند، که این است فلج کردن اقتصاد جامعه و انسان سالم نه حجاب اسلامی که باعث رشد و تعالی تمام افراد جامعه می‌شود.

### ۱۳. ۵. امنیت

زنان به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و موقعیت اجتماعی، آسیب‌پذیری بیشتری دارند و طبعاً نیاز به امنیت بیشتری دارند، اما زنانی که در انظار عمومی بدن خود را به نمایش می‌گذارند و باعث تحریک مردان می‌شوند ناگزیر باید منتظر آزار و اذیت افراد لایابالی باشند که این آزارها گاهی به آدم‌ربایی و قتل می‌انجامد و به شدت زندگی زنان بدحجاب و نیز آرامش و سلامت روانی و امنیتی آنها را به خطر می‌اندازد. (رجبی، ۱۳۷۸: ۱۰۵)

در این هنگام اگر زن بدون حجاب در جامعه ظاهر شود و جان او در خطر باشد چگونه می‌تواند آزادی داشته باشد، پس اگر حجاب را سپری برای دفع بلا برای خود

کند می‌تواند آزادی اجتماعی خود را بدست آورد. حجاب وسیله تبلیغ آزادی اجتماعی اوست.

### ۱۳.۶. رشد روانی، اجتماعی

در اثر امنیتی که از آثار حجاب برشمرده شد، زن می‌تواند به مرحله تکامل و بلوغ روانی برسد و در این مسیر می‌تواند از وسایل علم و هنر و... استفاده کند (همان: ۱۰۹-۱۱۲) و نشان دهد که آزادی اجتماعی یعنی حضور اجتماعی سالم یک زن که به بلوغ روانی - اجتماعی رسیده است.

### ۱۳.۷. اصل آزادی در حجاب

در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن زن وجود ندارد، حجاب در اسلام، وظیفه‌ای است که بر عهده زن نهاده شده که در معاشرت و برخورد با مرد باید کیفیت خاصی را در لباس مراعات کند و این نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و نه اینکه تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب شود.

اگر رعایت پاره‌ای از مصالح اجتماعی زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را بر هم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند چنین مطلبی را «زندانی کردن» یا «بردگی» نمی‌توان نامید و آن را منافی حیثیت انسانی و اصل «آزادی» فرد نمی‌توان دانست.

پوشیده بودن زن، در همان حدودی که اسلام تعیین کرده است، موجب کرامت و احترام بیشتر اوست، زیرا او را از تعرض افراد فاقد اخلاق مصون می‌دارد. (مطهری، ۱۳۵۳: ۸۶ و ۸۵)

یعنی اگر زن به وسیله حجاب مصون از آفات و بلاها باشد به راحتی می‌تواند در جامعه آزادانه راه برود و فعالیت کند و هیچ مزاحمتی را برای خود ایجاد نکند که موجب اجتماع زدگی اش و در نتیجه سلب آزادی او شود. و این حجاب است که آزادی را به زن نوید می‌دهد نه برهنگی.

### ۱۳. ۸. عدم حبس و عدم اختلاط

اسلام با اختلاط مخالف است نه با شرکت زن در مجامع و لو با حفظ حریم. اسلام می‌گوید: نه حبس و نه اختلاط و بلکه حریم. سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا ﷺ همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی‌شده‌اند، ولی همواره اصل «حریم» رعایت شده است در مساجد و مجامع حتی در کوچه و معبر، زن با مرد مختلط نبوده است. (همان: ۲۲۵)

همان طور که حجاب زن را از حبس بیرون می‌کند از اختلاط هم جدا می‌کند، یعنی زن که با حجاب وارد جامعه می‌شود شأن و مقام خود را می‌داند که ارزش حجاب خود را حفظ کند و مانند زنان هرزه با مردان مختلط نشود و مرض دل آن‌ها را بیشتر نکنند و به آن‌ها بفهماند که موجودی با شخصیت است، نه ملعبه دست هر بی‌اخلاقی که بخواهد در جامعه اختلاط ایجاد کند.

### ۱۴. شیوه‌های دیگر تبلیغ آزادی اجتماعی

دیدیم که اگر زن حجاب خود را حفظ کند راحت‌تر می‌تواند در جامعه رفت‌وآمد کند و عملی نشان دهد که آزادی اجتماعی دارد. اکنون می‌خواهیم بگوییم زنی که حجاب دارد باید چگونه این عمل را نشان دهد. او می‌تواند چنان رفتار کند و برخورد اجتماعی داشته باشد تا به این هدف خود برسد یا اینکه او می‌تواند با فعالیت‌های خود در هر زمینه‌ای از جمله فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... که باعث رشد جامعه می‌باشد هدف خود را عملی سازد که در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

### ۱۵. زنان پشتوانه ولایت

#### ۱۵. ۱. حضرت خدیجه رضی الله عنها یگانه مدافع نبوت و ولایت

هنگام اسلام آوردن حضرت خدیجه رضی الله عنها، حضرت رسول صلی الله علیه و آله به ایشان چنین فرمودند: در حال حیات و هنگام مرگ پس از رحلت من جانشین من و ولی امر مرا شناخته و یکایک ائمه معصومین علیهم السلام را باید بشناسی و از ایشان اطاعت کنی و

دوستانشان را دوست و دشمنانشان را دشمن بداری و از شیطان و انصار او و از قبیله تیم و عدی (ابوبکر و عمر) و بنی امیه و تابعین آنان بیزاری جویی.

و نیز فرمود: ای خدیجه این علی مولای تو و مولای همه مؤمنان و پیشوای آنان پس از من می باشد. خدیجه عرض کرد: یا رسول الله نیک فرمودید، البته بر آنچه گفتید خدا و شما را گواهی می دهم و پروردگار بر این گواهی بس است. (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۲۳) همچنان که می دانید حضرت خدیجه با تمام وجود خود و با تمام علاقه همه اموال خود را در دفاع از اسلام و پیامبر خویش در راه خدا صرف کرد و این نشانه‌ی آزادی ایشان در اجتماع بود.

### ۱۵.۲. حضرت زهرا علیها السلام تنها حامی ولایت علی علیه السلام

حضرت زهرا علیها السلام در راه احقاق حق حتی از جان خویش مایه می گذارد تا حق را به صاحبش برساند اما غاصبان حق این اجازه را نمی دهند و باعث شهادت این بانوی بزرگوار می شوند و خود را از شقی ترین افراد قرار می دهند.

حضرت علیها السلام در بیانی چنین فرمودند: آیا فراموش کردید فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله را در روز غدیر که به شما می فرمود: هرکس من مولا و پیشوای او هستم، پس علی علیه السلام پس از من مولای اوست و آیا فراموش نمودید فرمایش آن حرت را که فرمود: یا علی! نسبت تو به من همانند نسبت هارون به موسی است. یعنی جانشین و وصی من تو هستی. (همان، ۱۰۳)

### ۱۵.۳. فعالیت های حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام در بسیاری از زمینه ها فعالیت می کردند فعالیت سیاسی ایشان که معروف است به خطبه خوانی ایشان در کوفه و شام که بیانگر حقانیت قیام عاشورا است. علاوه بر این، ایشان دیگر فعالیت هایی نیز داشتند. «فعالیت اجتماعی مذهبی حضرت زینب به مقتضای زمان در شهر کوفه بیانگر مسئولیت سنگین زنان مسلمان در جامعه اسلامی است. اصولاً محتوای زندگی زینب ناقص روش خانه نشینی و بی تفاوتی زن در قبال تحولات گوناگون جامعه است.» (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۷: ۴۶)

## نتیجه گیری

در مقابل آزادی که غرب به زنان تحمیل کرد و در اصل آنها را در بند لذات شهوانی کرد زنان مسلمان می‌توانند از راه‌های مختلف که بهترین آن‌ها حجاب اسلامی است هم شخصیت خود را حفظ کنند و هم امنیت اجتماعی را تضمین کنند و دست به فعالیت‌های کلان بزنند که نشان‌دهنده آزادی اجتماعی آنان باشد، مشروط به اینکه حجاب آنها واقعاً اسلامی باشد نه غربی و یا آمیخته با فرهنگ‌های دیگر، چون اگر به موفقیت نسبی و ظاهری در فعالیت خود برسد به سود فرهنگ‌های غیراسلامی تمام خواهد شد و از آن برای تبلیغ فرهنگ خود استفاده خواهند کرد. لذا ما باید جلو چنین حرکتی را از ابتدای کار بگیریم وگرنه راه علاج آن بسیار دشوار خواهد بود.

## منابع و مآخذ:

- قرآن کریم (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی)
- احمدی، حسن (۱۳۸۴)، زن در پیشگاه ولایت، قم: مؤسسه فرهنگی انتشارات طوبای محبت.
  - بانکی پور فرد، امیرحسین (۱۳۸۱)، آئینه زن، مجموعه موضوعی سخنان مقام رهبری، قم: کتاب طه.
  - جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، زن در آئینه جلال و جمال، چ ۴، قم: نشر اسراء.
  - حکیمی، محمد (۱۳۸۳)، دفاع از حقوق زن، چ ۴، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
  - دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵)، لغت نامه دهخدا، ج ۲، تهران: چاپ مجلس.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۵)، لغت نامه دهخدا، ج ۱۴، تهران: چاپ سیروس.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۰)، لغت نامه دهخدا، ج ۱۸، تهران: چاپ سیروس.
- رجبی، عباس (۱۳۸۷)، حجاب و نقش آن در سلامت روان، چ ۴، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- شیرازی، محمد (۱۳۶۱)، نکاتی از شخصیت اسلامی زن، ترجمه محمد باقر خالی، قم: مؤسسه مطبوعاتی تشیع.
- صدر، بنت الهدی (۱۳۶۸)، شخصیت زن مسلمان، صادقی اردستانی، چ ۲، تهران: حافظ.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۴)، زن در اسلام، قم: دفتر نشر آثار علامه طباطبایی.
- علی پور باغبان نژاد، یوسف (۱۳۸۳)، حجاب = آزادی یا اسارت؟، تبریز، انتشارات احرار تبریز.
- عمید، حسن (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی عمید، چ ۱۶، تهران: امیرکبیر.
- علی کرمی، رضا (۱۳۷۸)، روش تبلیغ، اصول و مبانی و قالب ها، قم: درالثقلین.
- فتاحی، فتحیه (۱۳۷۶)، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، چ ۲، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- کیانی، مرضیه (۱۳۷۹)، زن و فعالیت های سیاسی - اجتماعی، زن از دیدگاه ادیان و مکاتب، جمعی از خواهران طلبه، قم: نصایح.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۳)، مسئله حجاب، تهران: انجمن اسلامی پزشکان.
- مکنون، ثریا (۱۳۷۴)، بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام، بی جا: سازمان تبلیغات اسلامی.

- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۷)، زینب کبری فریادی بر اعصار، تهران: نشر فرهنگی آیه.
- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۳)، شخصیت و حقوق زنان در آینه نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، چ ۲، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
- موسوی مدنی، علیرضا (۱۳۸۵)، سیمای زن در قرآن، ناهید اعظم رام پناهی، تهران: روابط شورای فرهنگی اجتماعی زنان، چاپ چهارم.
- میر احمدی، منصور (۱۳۸۱)، آزادی در فلسفه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- تاجی، ک (۱۳۷۹)، تاریخچه فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی زنان از صدر اسلام تاکنون، زن از دیدگاه ادیان و مکاتب جمعی از خواهران طلبه، قم: نصایح.
- یزدی، حسین (۱۳۷۹)، آزادی از نگاه استاد مطهری، چ ۲، تهران: صدرا.

